نوع مقاله: پژوهشی
صفحات ۲۷۹ – ۲۶۱

کارکرد آموزه‌های قرآنی درباره رحمت در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی: مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای در پرتو فلسفه اخلاق معاصر

محمد معرفت [۱]

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل کارکرد آموزه‌های قرآنی درباره رحمت در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی انجام شده است. این مطالعه از نوع پژوهش میان‌رشته‌ای کیفی است و از روش‌های تحلیل محتوای متون قرآنی، تطبیقی با فلسفه اخلاق معاصر و تحلیل نظریه‌های گفت‌وگوی ادیان بهره می‌برد. سؤال‌های پژوهش شامل بررسی مفهوم و ساختار رحمت در قرآن، تطبیق آن با مبانی فلسفه اخلاق، نقش رحمت در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و تأثیر آن بر همزیستی اجتماعی بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رحمت قرآنی دارای دو جنبه اصلی است: رحمت عمومی الهی که شامل همه موجودات است و رحمت اختصاصی و هدایت‌گر که در پی عمل صالح و رعایت فضایل اخلاقی تحقق می‌یابد. این آموزه‌ها با مفاهیم اخلاق فضیلت، مراقبتی و اخلاق جهانی همسو هستند و می‌توانند به عنوان چارچوب اخلاقی و عملی برای گفت‌وگو و تعامل میان‌ادیانی به کار گرفته شوند. همچنین آموزه‌های رحمت، ظرفیت ارتقاء همزیستیِ مسالمت‌آمیز، کاهش تعصبات و تقویت عدالت اجتماعی را دارند. نتیجه پژوهش بیانگر آن است که رحمت قرآنی نه تنها فضیلت اخلاقی و صفت الهی است، بلکه ابزار کارآمدی برای تربیت انسان متعالی، ایجاد همزیستی اجتماعی و تقویت گفت‌وگوی میان‌ادیانی فراهم می‌آورد و می‌تواند به عنوان مبنای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی میان‌فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی

قرآن کریم، فلسفه اخلاق معاصر، رحمت الهی، گفت‌وگوی ادیان، همزیستی اجتماعی.

---

۱. دانشیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: m.marefat@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۴/۱۲ پذیرش نهایی: ۱۴۰۵/۷/۶

طرح مسأله

یکی از چالش‌های بنیادین جوامع معاصر، تنش‌های ناشی از تعارضات دینی، فرهنگی و اخلاقی است که در نتیجه فرایند جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌ها و کاهش مرزهای فرهنگی شدت یافته است. در چنین شرایطی، ضرورت بازخوانی آموزه‌های دینی در جهت تقویت گفت‌وگوی ادیان و همزیستی مسالمت‌آمیز بیش از پیش احساس می‌شود (Nasr, 2002: 21). در میان تعالیم الهی، آموزه‌ی رحمت در قرآن کریم از جایگاهی ممتاز برخوردار است؛ زیرا نه‌تنها محور صفات الهی است، بلکه بنیان اخلاق انسانی و اجتماعی را نیز تشکیل می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۳/۸؛ قرائتی، ۱۳۸۸: ۱۸۶/۳). قرآن با تکرار واژه‌ی «رحمت» بیش از ۳۰۰ بار، تصویری جامع از خداوندِ رحمان و رحیم ارائه می‌کند و از انسان می‌خواهد که این صفت الهی را در روابط میان‌فردی و میان‌دینی خویش بازتاب دهد (Izutsu, 2008a: 92).

در متون اسلامی، رحمت به‌عنوان اصلی فراگیر و فرازمانی مطرح است که همه‌ی مراتب هستی را دربرمی‌گیرد. آیه «**إِنَّ رَبِّی غَفُورٌ رَحِیمٌ**»[1] (یوسف: ۵۳) نه‌تنها نشانه‌ی صفات الهی است، بلکه مبنای تربیت اخلاقی بشر به شمار می‌رود. در نگاه تفسیری علامه طباطبایی، رحمت، پیوند وجودی انسان با خدا و با دیگران است و به همین سبب، «جامعه رحمانی» اساس شکل‌گیری مدنیت اسلامی است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۹۷/۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۸/۵). این معنا در الهیات معاصر نیز مورد تأکید است؛ به‌گونه‌ای که محمدتقی جعفری (۱۳۷۹) رحمت را بنیان تعامل انسانی و اساس تمدن اخلاقی می‌داند.

در سطح فلسفه اخلاق، نظریه‌پردازان معاصر مانند مارثا نوسباوم (Nussbaum, 2001) و کارول گیلیگان (Gilligan, 1982) با نقد اخلاق وظیفه‌گرا و فردگرای مدرن، بر ضرورت توجه به «اخلاق مراقبتی» و «عواطف اخلاقی» چون شفقت، مهربانی و همدلی تأکید کرده‌اند. این مبانی اخلاقی با آموزه‌ی قرآنی «رحمت» هم‌افق‌اند و می‌توانند در چارچوب مطالعات میان‌رشته‌ای، مبنایی برای فلسفه اخلاق رحمانی در جهان امروز باشند (Nussbaum, 2001: 321).

از سوی دیگر، هانس کونگ (Küng, 1991) با طرح نظریه‌ی «اخلاق جهانی»، بر ضرورت دستیابی به ارزش‌های مشترک میان ادیان برای صلح پایدار تأکید می‌کند و رحمت را یکی از ارکان چنین اخلاقی می‌داند. او در بیانیه‌ی معروف خود در پارلمان جهانی ادیان (۱۹۹۳) تصریح کرد که هیچ صلحی میان ملت‌ها برقرار نخواهد شد، مگر آن‌که صلحی میان ادیان شکل گیرد، و

---

۱. پروردگارم آمرزنده و مهربان است.

هیچ صلح دینی تحقق نمی‌یابد مگر بر اساس «اخلاق مشترک» که جوهر آن رحمت و شفقت است.

در سنت اسلامی نیز اندیشمندان معاصر مانند سید حسین نصر (Nasr, 2002) و عبدالکریم سروش (۱۳۸۳) بر نقش رحمت در بازسازی عقلانیت دینی تأکید دارند. نصر رحمت را نیروی وحدت‌بخش میان سنت‌های ابراهیمی می‌داند که می‌تواند مبنای گفت‌وگو و درک متقابل باشد (Nasr, 2002: 75). سروش نیز در بسط تجربه نبوی، رحمت را گوهر تجربه پیامبر اسلام معرفی می‌کند که بر اخلاق، شفقت و مدارای دینی مبتنی است (سروش، ۱۳۸۳: ۱۴۲).

در کنار این مباحث نظری، واقعیت‌های اجتماعی معاصر نشان می‌دهد که در غیاب رحمت و همدلی، جوامع گرفتار خشونت‌های هویتی و تضادهای دینی می‌شوند. بر اساس گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، در دهه اخیر شمار درگیری‌های مبتنی بر دین و قومیت در جهان بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته است (Pew Research Center, 2022)؛ از این‌رو، بازخوانی رحمت قرآنی نه‌تنها ضرورتی الهیاتی، بلکه ضرورتی اجتماعی و تمدنی است.

در این میان، قرآن کریم الگویی جامع برای گفت‌وگو و تفاهم میان ادیان ارائه می‌کند: «**يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ**»[1] (آل‌عمران: ۶۴). این آیه نشان می‌دهد که رحمت الهی نه‌فقط در رابطه انسان با خدا، بلکه در دعوت به تفاهم، تساهل و همکاریِ اجتماعی نیز جریان دارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر در پی آن است که نشان دهد آموزه‌های قرآنی درباره‌ی رحمت، چگونه می‌توانند چارچوبی نظری و اخلاقی برای ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی فراهم آورند.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین است: آیا آموزه‌های قرآنی درباره رحمت می‌توانند به‌عنوان مبنایی میان‌رشته‌ای برای تبیین الگوی گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی در پرتو فلسفه اخلاق معاصر به‌کار گرفته شوند؟

پاسخ به این پرسش مستلزم بررسی تطبیقی میان الهیات قرآنی رحمت، نظریه‌های اخلاق فضیلت و اخلاق مراقبتی، و مبانی اخلاق جهانی است. پژوهش حاضر با اتخاذ رویکردی نوین و تلفیقی، می‌کوشد نشان دهد که رحمت قرآنی ـ برخلاف برداشت‌های رایج که آن را مفهومی عمدتاً عاطفی و فردی تلقی می‌کنند ـ دارای ظرفیت‌های قابل توجهی برای شکل‌دادن به سیاست‌های فرهنگی، اخلاق گفت‌وگویی و الگوهای همزیستی اجتماعی در جوامع چنددینی است.

---

۱. ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است.

پیشینه پژوهش

پژوهش در زمینه «رحمت الهی در قرآن» از دیرباز یکی از محورهای مهم تفسیر و الهیات اسلامی بوده است. مفسران کلاسیک همچون طبری (۱۴۱۲) در *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، رحمت را به‌منزله جلوه‌ای از ربوبیت عام الهی تفسیر کرده‌اند که شامل همه موجودات می‌شود. فخر رازی (۱۴۲۰) در *التفسیر الکبیر* نیز بر ابعاد عقلانی و وجودی رحمت تأکید دارد و آن را عامل انسجام نظام هستی و پیوند انسان با خدا می‌داند. در تفاسیر معاصر، بویژه در *المیزان* اثر علامه طباطبایی (۱۳۹۰)، رحمت به‌عنوان بستر اصلی اخلاق الهی معرفی می‌شود و پیوندی مستقیم میان رحمت، عدالت و ایمان برقرار می‌گردد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۷۳/۸؛ ۱۱۳/۱۴)

در دهه‌های اخیر، توجه پژوهشگران به ابعاد اجتماعی رحمت الهی و نقش آن در تعامل ادیان افزایش یافته است. محمدتقی جعفری (۱۳۷۹) در اثر خود *فلسفه و هدف زندگی*، با تکیه بر مبانی فلسفی اسلامی، رحمت را اساس گفت‌وگوی عقلانی و انسانی میان پیروان ادیان می‌داند. به‌زعم وی، اخلاقِ رحمانی قرآن، راهی برای عبور از تعصبات دینی و ایجاد فهم مشترک انسانی است (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

در حوزه مطالعات میان‌دینی، هانس کونگ (Küng, 1991) با طرح ایده‌ی «اخلاق جهانی» بر مبنای آموزه‌های مشترک ادیان، بویژه مفهوم رحمت و کرامت انسانی، نشان می‌دهد که ادیان ابراهیمی می‌توانند در سایه‌ی فهم مشترک از رحمت، به همزیستی پایدار برسند. این رویکرد بعدها در آثار عبدالکریم سروش (۱۳۸۳) و مصطفی ملکیان (۱۳۹۶) در چارچوب «اخلاق گفت‌وگویی» بسط یافت؛ هر دو اندیشمند، رحمت را به‌مثابه بنیان عقلانیت ارتباطی و گفت‌وگوی صادقانه در سنت اسلامی معرفی می‌کنند.

از منظر فلسفه اخلاق، نظریه‌پردازانی چون آلاسدیر مک‌اینتایر (MacIntyre, 1981) و مارثا نوسباوم (Nussbaum, 2001) با تأکید بر «اخلاق فضیلت» و «اخلاق مراقبتی»، به ضرورت بازگشت به مفاهیم رحمت، شفقت و همدلی در فضای مدرن اشاره می‌کنند. این دیدگاه‌ها در جهان اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ برای مثال، سید حسین نصر (Nasr, 2002) در آثار خود به این نکته اشاره دارد که رحمت الهی در قرآن، بنیان تمدن اسلامی و الگوی ارتباط مسالمت‌آمیز با دیگری است.

در سطح پژوهش‌های قرآنی نوین، ایزوتسو (Izutsu, 2008a) در مفاهیم اخلاقی ـ دینی در قرآن، رحمت را یکی از کانونی‌ترین واژگان شبکه معنایی قرآن می‌داند که تمام نظام ارزشی اسلام را سامان می‌دهد. وی نشان می‌دهد که رحمت نه‌تنها صفت الهی بلکه معیار رفتار اخلاقی انسان در نسبت با دیگران است. در همین راستا، شامحمدی (۱۴۰۱) در مقاله «معناشناسی رحمت و نقش تربیتی آن در حوزه اجتماعی از دیدگاه آیات و روایات»، با تحلیل آیات و روایات

مرتبط، نتیجه می‌گیرد که رحمت اسلامی ماهیتی تمدنی دارد و می‌تواند به‌عنوان پایه‌ای برای گفت‌وگوی ادیان و کاهش منازعات فرهنگی عمل کند (شامحمدی، ۱۴۰۱: ۱۴۵-۱۶۳).

در سطح بین‌الادیانی، پژوهش‌هایی نظیر ریچارد هورلی (Hurley, 2015) و پاول نتر (Nettler, 2018)بر آن‌اند که آموزه‌های رحمت در اسلام می‌تواند الگویی اخلاقی برای گفت‌وگو با سنت‌های یهودی و مسیحی فراهم کند. در ایران نیز رضی بهابادی و شبانی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی مفاهیم «محبت» و «رحمت» در قرآن و عهد جدید پرداخته‌اند. آن‌ها نتیجه می‌گیرند که هر دو متن دینی بر جایگاه مرکزی محبت/رحمت در نسبت میان خدا و انسان و نیز در روابط بین انسان‌ها تأکید دارند؛ از منظر عهد جدید ــ بویژه سنت نیوتستی ـ مفهومِ «آگاپه» بر عشق فداکننده و بخشش بی‌قید و شرط تأکید می‌یابد؛ در حالی که در قرآن مفهوم «رحمت/رحمَة» همگرایانه‌تر و شامل‌تری است که خصلت عام الهی برای مراقبت و شفقت نسبت به مخلوقات را برجسته می‌سازد. نویسندگان خاطرنشان می‌کنند که این اشتراکِ بنیادین می‌تواند زمینه‌ای مناسب برای گفت‌وگوی بین‌دینی فراهم آورد؛ اما هم‌زمان لازم است تفاوت‌های الهی–شناختی و زمینه‌های متنی هر سنت در مباحث اخلاقی و نجات‌شناختی به‌صورتی صادقانه و روشن به رسمیت شناخته شوند تا گفت‌وگو از سطح تمثیلی فراتر رفته و به همکاری عملی و فهم متقابل منتهی شود.

با وجود این مطالعات، کمتر پژوهشی به تحلیل میان‌رشته‌ای این موضوع از منظر فلسفه اخلاق معاصر پرداخته است. بیشتر آثار موجود، یا تفسیری–الهیاتی‌اند یا میان‌فرهنگی و جامعه‌شناختی؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر با رویکردی تلفیقی می‌کوشد کارکرد آموزه‌های قرآنی درباره رحمت را در بستر گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی، در پرتو نظریات فلسفه اخلاقِ فضیلت و مراقبتی بررسی کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی میان‌رشته‌ای در پی آن است که ارتباط میان آموزه‌های قرآنی درباره رحمت و نظریه‌های فلسفه اخلاق معاصر را در راستای گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی بررسی کند. از آن‌جا که مسأله پژوهش، ماهیتی نظری و تفسیری دارد، روش تحقیق، کیفی ـ تحلیلی است که در چارچوب تحلیل مفهومی و تفسیر تطبیقی انجام می‌گیرد.

۱. نوع و رویکرد پژوهش

این پژوهش از نوع مطالعه نظری ـ تبیینی است. بدین معنا که با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و تحلیل اسنادی، مفاهیم کلیدی مانند «رحمت»، «گفت‌وگو»، «همزیستی» و «اخلاق» از منظر قرآن کریم و فلسفه اخلاق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سپس با رویکردی

تطبیقی و میان‌رشته‌ای، نسبت میان این مفاهیم و تأثیر آن‌ها بر نظریه‌های معاصر همزیستی اجتماعی تحلیل می‌شود (Creswell, 2018: 96).

به بیان دیگر، این پژوهش از الگوی تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) با محوریت مضامین قرآنی بهره می‌گیرد. در این روش، داده‌ها از متون قرآنی، تفاسیر معتبر و آثار فیلسوفان اخلاق استخراج و سپس از طریق «کدگذاری مفهومی» و «تحلیل درون‌متنی» سامان یافته‌اند (Mayring, 2014: 41).

۲. روش گردآوری داده‌ها

منابع مورد استفاده در سه دسته گردآوری شده‌اند:

أ. منابع قرآنی و تفسیری: شامل قرآن کریم و تفاسیر معتبر همچون *المیزان فی تفسیر القرآن* (طباطبایی، ۱۳۹۰)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن* (طبری، ۱۴۱۲)، *التفسیر الکبیر* (فخر رازی، ۱۴۲۰) و *تفسیر نمونه* (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱).

ب. منابع فلسفی و اخلاقی: شامل آثار اندیشمندان مسلمان و غربی نظیر *قلب اسلام*[1] (Nasr, 2002)، *مسئولیت جهانی*[2] (Küng, 1991)، *پس از فضیلت*[3] (MacIntyre, 1981) و *تلاطم‌های اندیشه*[4] (Nussbaum, 2001).

ج. منابع میان‌رشته‌ای معاصر: شامل پژوهش‌های جدید در حوزه‌ی گفت‌وگوی ادیان و اخلاق جهانی (Hurley, 2015: 33-47; Nettler, 2018: 41-59) (رضی بهابادی و شبانی، ۱۳۹۴).

اطلاعات گردآوری‌شده به‌صورت استقرایی تحلیل و با رهیافت «تحلیل شبکه معنایی» مفاهیم قرآن به شیوه‌ی «Izutsu, 2008a» بررسی شده است تا روابط میان مفاهیم رحمت، عدالت، کرامت انسانی و همزیستی تبیین گردد.

۳. چارچوب نظری و روش تحلیل

پایه نظری پژوهش، تلفیقی از دو رویکرد است:

أ. رویکرد هرمنوتیکی و تفسیری قرآن‌محور

در این بخش، از روش تفسیر موضوعی (تفسیر القرآن بالقرآن) بهره گرفته شده است. این روش که از سوی مفسرانی همچون سیدمحمدحسین طباطبایی (۱۳۹۰)، عبدالله جوادی آملی (۱۳۹۰) و محمد صادقی تهرانی (۱۴۰۶) تأکید شده، امکان فهم منسجم از مفاهیم قرآنی مانند

1. The Heart of Islam.
2. Global Responsibility.
3. After Virtue.
4. Upheavals of Thought.

رحمت را فراهم می‌آورد. در این رویکرد، آیات مربوط به رحمت، در پرتو آیات هم‌موضوع تحلیل و پیوندهای مفهومی آن‌ها شناسایی شده‌اند.

ب. رویکرد فلسفی ـ اخلاقی تطبیقی

در این مرحله، مفاهیم قرآنی استخراج‌شده با مبانی فلسفه اخلاق معاصر ـ شامل اخلاق فضیلت،[1] اخلاق مراقبتی[2] اخلاق جهانی[3] ـ تطبیق داده شده‌اند. این تطبیق بر اساس روش تحلیل تطبیقی بین‌الادیانی[4] صورت گرفته که در آثار هانس کونگ (۱۹۹۱) و نصر (۲۰۰۲) به‌تفصیل توضیح داده شده است. هدف از این مرحله، نشان دادن قابلیت تعمیم آموزه رحمت در قرآن به عرصه‌ی اخلاق جهانی و گفت‌وگوی میان ادیان است.

٤. ابزار تحلیل و معیارهای اعتبار

در تحلیل داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شده است:

تحلیل مفهومی (Conceptual Analysis): برای تبیین دقیق واژگان کلیدی قرآنی مانند «رحمة»، «رأفة» و «عفو».

تحلیل تفسیری ـ اخلاقی: برای بررسی تطبیق‌پذیری این مفاهیم با ارزش‌های جهان‌شمول انسانی.

تحلیل میان‌رشته‌ای: برای برقراری ارتباط بین متون دینی و فلسفی (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸: ۱۱۵-۱۳۰).

اعتبار داده‌ها از طریق «مثلث‌سازی مفهومی» (Triangulation) انجام شده است؛ بدین معنا که داده‌ها از سه منبع قرآن، فلسفه اخلاق و ادبیات میان‌دینی به‌صورت هم‌زمان تحلیل و صحت آن‌ها با مقایسه متون مختلف تأیید گردیده است (Denzin & Lincoln, 2018: 43).

۵. جایگاه و حدود پژوهش

این پژوهش در پی ارائه‌ی یک الگوی نظری ـ تحلیلی است و قصد ندارد به‌صورت تجربی به سنجش کمی رفتارهای میان‌دینی بپردازد. محدوده‌ی پژوهش شامل تحلیل متون دینی (قرآن و تفاسیر)، منابع فلسفه اخلاق معاصر و آثار منتخب گفت‌وگوی ادیان است؛ از این‌رو، نتایج این مطالعه بیشتر جنبه‌ی نظری و کاربردی در حوزه‌ی الهیات و فلسفه اخلاق دارد و می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی و دینی در جوامع چنددینی محسوب شود.

---

1. Virtue Ethics.
2. Care Ethics.
3. Global Ethics.
4. Comparative Interfaith Analysis.

نوآوری پژوهش

پژوهش حاضر در میان آثار مرتبط با الهیات تطبیقی، قرآن‌پژوهی و فلسفه اخلاق معاصر از چند جهت دارای نوآوری و ارزش افزوده علمی است:

نخست، نوآوری در چارچوب نظری است. بیشتر مطالعات پیشین درباره رحمت در قرآن، ماهیت تفسیری یا اخلاقیِ درون‌دینی داشته‌اند و عمدتاً در محدوده تفسیر آیات رحمت (مانند آثار طباطبایی، ۱۳۹۰؛ سبحانی، ۱۳۷۴؛ مطهری، ۱۳۷۷) یا در مطالعات اخلاق اسلامی (جوادی آملی، ۱۳۷۲) متوقف مانده‌اند. در این تحقیق، مفهوم قرآنی رحمت نه‌تنها در بستر الهیات اسلامی، بلکه در پیوند با مباحث فلسفه اخلاق معاصر و اخلاق بین‌فرهنگی تحلیل شده است؛ بدین‌معنا که آموزه‌های قرآنی درباره رحمت به‌مثابه بنیان نظری برای گفت‌وگوی بین‌الادیانی و همزیستی اجتماعی تفسیر می‌شوند. چنین رویکردی کمتر در پژوهش‌های قرآنی مشاهده شده است (Küng, 1991; Nussbaum, 2011).

دوم، نوآوری در روش میان‌رشته‌ای است. این مقاله از تلفیق سه حوزه‌ی معرفتی استفاده می‌کند: تفسیر موضوعی قرآن، فلسفه اخلاق معاصر و مطالعات گفت‌وگوی ادیان. این ترکیب، امکان فهمی چندسطحی از مفهوم «رحمت» را فراهم می‌سازد؛ بدین معنا که رحمت، صرفاً به‌عنوان صفت الهی یا فضیلت فردی در نظر گرفته نمی‌شود؛ بلکه به‌عنوان چارچوبی برای زیست مشترک، عدالت اخلاقی و گفت‌وگوی فرهنگی تحلیل می‌گردد (Nasr, 2002; MacIntyre, 1981). چنین تلفیقی از داده‌های الهیاتی و فلسفی در پژوهش‌های فارسی پیشین سابقه‌ی اندکی دارد و از این‌رو، از نوآوری‌های اساسی مقاله محسوب می‌شود.

سوم، نوآوری در رویکرد تطبیقی و انتقادی به فلسفه اخلاق غربی است. نگارنده با مقایسه آموزه قرآنی رحمت با دیدگاه‌های نوسبام درباره «compassion» (Nussbaum, 2011) و کونگ درباره «ethic of global responsibility » (Küng, 1991) نشان می‌دهد که رحمت در قرآن صرفاً احساسی عاطفی یا اخلاقی نیست؛ بلکه بنیانی معرفتی و هستی‌شناختی دارد که می‌تواند چارچوبی فراتر از اومانیسم سکولار برای گفت‌وگوی ادیان فراهم کند. چنین تلفیقی میان «رحمت قرآنی» و «اخلاق جهانی» کمتر در پژوهش‌های اسلامی انجام شده است (Izutsu, 2008b).

چهارم، نوآوری در کاربرد اجتماعی آموزه‌های قرآنی است. این پژوهش تلاش می‌کند نشان دهد که آموزه رحمت نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سطح ساختارهای اجتماعی و فرهنگی نیز نقش‌آفرین است و می‌تواند مبنای سیاست‌های فرهنگی و گفت‌وگویی در جوامع چنددینی باشد. در شرایط کنونی جهانی که تنش‌های دینی و فرهنگی در حال افزایش است، بازخوانی رحمت قرآنی در پرتو فلسفه اخلاق جهانی، رویکردی تازه و کاربردی به شمار می‌رود (Abu-Nimer,

.(2003; Rahman, 2009

پنجم، از منظر نوآوری زبانی و هرمنوتیک این پژوهش با بهره‌گیری از تحلیل معنایی ایزوتسو (Izutsu, 2008b) و روش تفسیر موضوعی معاصر، به بازخوانی مفاهیم قرآنی از درون شبکه‌های معنایی می‌پردازد. در نتیجه، مفهوم رحمت نه به‌صورت انتزاعی بلکه در نسبت با مفاهیمی چون عدل، مغفرت، هدایت و توحید بررسی می‌شود. این تحلیل شبکه‌ای از مفاهیم قرآنی، ابعاد تازه‌ای از اخلاق جهانی اسلام را آشکار می‌سازد که در پژوهش‌های کلاسیک مغفول مانده بود.

به‌طور خلاصه، نوآوری مقاله در سه سطح نظری، روشی و کاربردی قابل جمع‌بندی است:

۱. در سطح نظری: پیوند مفهومی «رحمت قرآنی» با فلسفه اخلاق جهانی و ایده‌ی اخلاق هم‌زیستی.

۲. در سطح روشی: بهره‌گیری از روش تفسیر موضوعی تطبیقی با تأکید بر رویکرد میان‌رشته‌ای.

۳. در سطح کاربردی: ارائه الگوی عملی از رحمت به‌مثابه بنیان گفت‌وگوی بین‌الادیانی و همزیستی اجتماعی در دنیای معاصر.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش حاضر را می‌توان در سه سطح اصلی تحلیل کرد:

أ. تحلیل مفهومی رحمت در قرآن

تحلیل متون قرآنی نشان می‌دهد که واژه‌ی رحمت و مشتقات آن ـ مانند رأفة، عفو و غفران ـ بیش از ۳۰۰ بار در قرآن ذکر شده و در شبکه معنایی قرآن، با مفاهیمی چون عدالت، هدایت، کرامت انسانی، محبت و تعاون اجتماعی پیوند دارد (قطب، ۱۴۲۵: ۲۰۰۴/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۶۸/۵) (Izutsu, 2008a: 92). این بررسی نشان می‌دهد که رحمت نه صرفاً صفت اخلاقی یا احساس عاطفی است، بلکه صفتی هستی‌شناختی و تکوینی است که تمام مراتب جهان را دربرمی‌گیرد.

تحلیل موضوعی آیات رحمت نشان می‌دهد که قرآن دو نوع رحمت را تبیین می‌کند:

۱. رحمت عمومی الهی (رحمت شامل همه موجودات): آیات بسیاری نظیر «**وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ**»[1] (اعراف: ۱۵۶) بیانگر آن است که رحمت الهی شامل تمام هستی است و محدود به گروه یا زمان خاصی نمی‌شود.

---

۱. رحمتم همه چیز را فراگرفته است.

۲. رحمت اختصاصی و هدایت‌گر: آیاتی مانند «**إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمانُ وُدّاً**»[۱] (مریم: ۹۶) بیانگر آن است که رحمت در سطح فردی و اجتماعی با رعایت اصول اخلاقی و عمل صالح تحقق می‌یابد.

این دسته‌بندی نشان می‌دهد که رحمت قرآنی هم ماهیتی جهانی و هم عملیاتی دارد که می‌تواند به‌عنوان مبنایی برای تعامل انسانی و گفت‌وگوی بین‌الادیانی تبیین شود (جعفری، ۱۳۷۹: ۱۱۲).

علاوه بر این، تحلیل شبکه‌ای مفاهیم قرآنی (Izutsu, 2008b) نشان می‌دهد که رحمت با مفاهیمی مانند عدل، صبر، احسان و تسامح در هم تنیده شده است. این ویژگی، ظرفیت منحصر به فردی برای ایجاد معیار اخلاقی مشترک در گفت‌وگوی ادیان فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی، اساساً میان‌فرهنگی و تعاملی هستند.

ب. تطبیق آموزه رحمت با فلسفه اخلاق معاصر

بر اساس بررسی نظریه‌های فلسفه اخلاق، مفاهیم رحمت، شفقت و مراقبت در اخلاق فضیلت (MacIntyre, 1981) و اخلاق مراقبتی (Gilligan, 1982) محوریت دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که:

۱. هماهنگی مفهومی: رحمت قرآنی با اخلاق فضیلت و اخلاق مراقبتی همسو است؛ زیرا هر دو بر پرورش فضایل اخلاقی و ایجاد روابط انسانی بر پایه کرامت و همدلی تأکید دارند (Nussbaum, 2011: 45).

۲. تفاوت‌های رویکردی: رحمت قرآنی علاوه بر وجه اخلاقی، وجه معنوی و هستی‌شناختی دارد؛ به این معنا که منشأ آن الهی و متصل به آموزه توحیدی است. این ویژگی، امکان تعمیق اخلاق مراقبتی در سطح بین‌الادیانی را فراهم می‌آورد، در حالی که فلسفه اخلاق غربی غالباً مبنای انسانی ـ سکولار دارد (Nasr, 2002: 21).

۳. کاربرد عملی: این هماهنگیِ مفهومی نشان می‌دهد که آموزه‌ی رحمت می‌تواند در مدارس بین‌الادیانی، سازمان‌های بین‌المللی و برنامه‌های گفت‌وگوی فرهنگی به‌عنوان چارچوب اخلاقی و آموزشی استفاده شود.

ج. کارکرد اجتماعی و گفت‌وگوی ادیان

یکی از یافته‌های برجسته پژوهش، امکان توسعه گفت‌وگوی ادیان بر پایه رحمت قرآنی است. این نتایج از طریق تحلیل تطبیقی با متون دینی یهودیت و مسیحیت و نظریه‌های

---

۱. مسلّماً کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، خداوند رحمان محبّتی برای آنان در دل‌ها قرار می‌دهد.

گفت‌وگوی ادیان (Küng, 1991; Hurley, 2015: 33-47) به دست آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که:

۱. رحمت، بنیان گفت‌وگوی بین‌الادیانی

آموزه رحمت به‌عنوان یک صفت اخلاقی و الهی، می‌تواند به‌عنوان «زبان مشترک» برای مذاهب و فرهنگ‌های مختلف عمل کند. این یافته با نظر کونگ مبنی بر ضرورت ایجاد «اخلاق جهانی» برای صلح پایدار همسو است (Küng, 1991: 67).

۲. تقویت همزیستی اجتماعی

رحمت قرآنی، علاوه بر بُعد بین‌فردی، ظرفیت ارتقاء همزیستی اجتماعی، پذیرش تفاوت‌ها و کاهش تعصبات مذهبی و فرهنگی را دارد. این یافته با مطالعات نصر (۲۰۰۲) و رضی بهابادی و شبانی (۱۳۹۴) هم‌راستا است.

۳. الگوی اخلاقی برای جوامع چنددینی

آموزه‌های رحمت می‌توانند به‌عنوان چارچوب عملی و اخلاقی برای سیاست‌گذاری اجتماعی، آموزش بین‌الادیانی و برنامه‌های میان‌فرهنگی به کار گرفته شوند. بویژه در جهان امروز که تنش‌های دینی و فرهنگی افزایش یافته، استفاده از چنین چارچوبی از اهمیت بالایی برخوردار است (Abu-Nimer, 2003: 59).

تحلیل کلی یافته‌ها

جمع‌بندی یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی درباره رحمت، سه نقش کلیدی در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی ایفا می‌کنند:

۱. نقش معرفتی: ارائه مفهومی روشن و نظام‌مند از رحمت، عدالت و کرامت انسانی.

۲. نقش اخلاقی و عملی: ایجاد چارچوب رفتار انسانی مبتنی بر فضایل اخلاقی و مراقبت از دیگران.

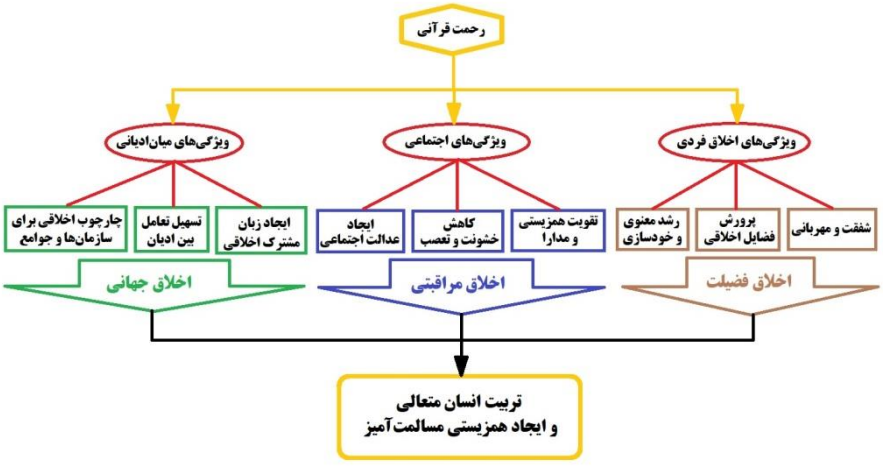
۳. نقش اجتماعی و تمدنی: تسهیل همزیستی مسالمت‌آمیز، کاهش تعصبات و ایجاد الگوی گفت‌وگوی میان‌ادیانی.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که ترکیب مطالعه قرآن، فلسفه اخلاق معاصر و نظریه‌های گفت‌وگوی ادیان، امکان ارائه یک چارچوب میان‌رشته‌ای برای کاربرد آموزه‌های رحمت در سطح فردی و اجتماعی را فراهم می‌آورد.

جدول ۱. مقایسه مفهومی رحمت قرآنی و فلسفه اخلاق معاصر

محور / ویژگی	آموزه‌های قرآنی درباره رحمت	فلسفه اخلاق معاصر	نکات تطبیقی / همسویی	تفاوت‌ها / تمایزات
ماهیت	صفت الهی و هستی‌شناختی	فضیلت انسانی / اخلاق مراقبتی	هر دو زمینه‌ساز رشد اخلاقی و رفتار انسانی هستند	وجه الهی و متصل به توحید در قرآن، وجه انسانی–سکولار در فلسفه اخلاق
کارکرد فردی	هدایت و رشد معنوی، عمل صالح	پرورش فضایل اخلاقی، همدلی و شفقت	رشد اخلاقی و انسانی، تربیت شخصیت	تمرکز قرآن بر رابطه با خداوند، فلسفه اخلاق بر تجربه انسانی
کارکرد اجتماعی	همزیستی، مدارا و عدالت اجتماعی	تقویت روابط اجتماعی و مراقبت از دیگران	تقویت همدلی، کاهش خشونت و تعصبات	قرآن چارچوبی الهی برای جامعه ارائه می‌دهد، فلسفه اخلاق غالباً سکولار است
جهان‌شمولی	شامل همه موجودات و جوامع	محدود به انسان و گروه‌های اجتماعی	هر دو قابلیت گسترش و تعمیم دارند	قرآن گسترده و جهانی‌تر است، فلسفه اخلاق اغلب میان‌فرهنگی
کاربرد در گفت‌وگو و میان‌ادیانی	ایجاد چارچوب اخلاقی و بنیاد گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز	امکان آموزش اخلاق مراقبتی و فضایل بین‌فرهنگی	هر دو می‌توانند مبنای تعامل صلح‌آمیز باشند	قرآن معیار الهی ارائه می‌دهد، فلسفه اخلاق معیار انسانی

نمودار مفهومی: نقش آموزه‌های رحمت قرآنی در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی



این نمودار با محوریت مفهوم «رحمت قرآنی» ترسیم شده است و آن را در سه سطح فردی،

اجتماعی و میان‌ادیانی مورد تحلیل قرار می‌دهد. در سطح فردی، رحمت به شفقت، پرورش فضایل اخلاقی و رشد معنوی انسان منجر می‌شود. در سطح اجتماعی، زمینه‌ساز همزیستی، مدارا، کاهش تعصب و ایجاد عدالت است. در سطح میان‌ادیانی نیز رحمت به‌مثابه زبان مشترک اخلاقی عمل کرده و چارچوبی برای تعامل سازنده میان ادیان و هدایت جوامع و نهادهای انسانی فراهم می‌آورد. بخش جانبی نمودار، هم‌سویی آموزه رحمت قرآنی با جریان‌های برجسته فلسفه اخلاق معاصر، از جمله اخلاق فضیلت، اخلاق مراقبتی و اخلاق جهانی را نشان می‌دهد؛ هم‌سویی‌ای که به تعمیق آثار رحمت در سطوح فردی و میان‌ادیانی یاری می‌رساند. در نهایت، تمام مسیرهای تبیین‌شده در نمودار به یک نتیجه بنیادین منتهی می‌شوند: تربیت انسان متعالی و تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز در جامعه بشری.

تحلیل و بررسی

تحلیل و بررسی یافته‌های پژوهش حاضر، بر اساس سؤالات فرعی پژوهش و با تکیه بر داده‌های استخراج‌شده از قرآن، تفاسیر معتبر و مبانی فلسفه اخلاق معاصر صورت گرفته است. این سؤالات فرعی عبارتند از:

۱. مفهوم و ساختار رحمت در قرآن چگونه قابل تبیین است؟
۲. آموزه‌های رحمت قرآنی چه تطابقی با مبانی فلسفه اخلاق معاصر دارند؟
۳. آموزه‌های رحمت چگونه می‌توانند گفت‌وگوی ادیان را ارتقاء دهند؟
۴. آموزه‌های رحمت چه نقشی در تقویت همزیستی اجتماعی در جوامع چنددینی دارند؟

۱. تحلیل مفهوم و ساختار رحمت در قرآن

مطالعه‌ی متون قرآنی و روایی نشان می‌دهد که «رحمت» در قرآن کریم مفهومی چندلایه و پویا دارد که هم در سطح هستی‌شناختی و هم در سطح اخلاقی ـ اجتماعی قابل تبیین است:

أ. رحمت الهی به مثابه شمول هستی‌شناختی: آیات متعددی بیانگر فراگیری رحمت خداوند در سراسر هستی است. چنان‌که می‌فرماید: «**قُلْ مَن يَكْلَؤُكُم بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَانِ**»[۱] (الأنبیاء: ۴۲). در این آیه، عنوان «الرَّحْمان» اشاره به رحمت عام الهی دارد که هم شامل مؤمن و هم غیرمؤمن است و در واقع، نظام هستی بر پایه این رحمت استمرار می‌یابد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴۶/۲۲؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۹۰/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۱۴/۱۳) (Izutsu, 2008b: 92). این امر نشان می‌دهد که رحمت به‌عنوان یک صفت هستی‌شناختی، جهان را در بر می‌گیرد و محدود به زمان، مکان یا گروه خاص نیست.

پیامبر اکرم(ص) نیز در تأیید این بُعد عام رحمت فرمود: «**الرّاحِمُونَ يَرحَمُهُم الرَّحمانُ تَبارَکَ**

---

۱. بگو: «چه کسی شما را در شب و روز از [مجازات] خداوند بخشنده نگاه می‌دارد؟!».

وَ تَعَالَى؛ اِرحَمُوا مَن فِی الأرضِ یَرحَمْکُم مَـن فِـی السَّـماءِ»[1] (ابـن‌أبـی‌جمهـور، ۱۴۰۵: ۳۶۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۶۷/۷۴). این حدیث نشان می‌دهد که رحمـت الهـی، مبنـای هسـتی و شـرط استمرار فیض در جهان است.

ب. رحمت هدایت‌گر و اخلاقی: در سطح فردی و اجتماعی، رحمت قرآنی با هـدایت و عمـل اخلاقی پیوند تنگاتنگ دارد. خداوند متعال می‌فرماید: «**وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُـوَ شِـفَاءٌ وَ رَحْمَـةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ**»[2] (الإسراء: ۸۲). این آیه رحمت را نه تنها به‌عنوان بخشش الهی، بلکه به‌مثابه نیرویـی شفابخش و راهنما در مسیر رشد و ترمیم معنوی معرفی می‌کند.

این فهم قرآنی از رحمت با تأکیدات روایی اهـل‌بیـت(ع) نیـز همخـوانی دارد. امـام علـی(ع) می‌فرماید: «**رَحِمَ اللهُ رَجُلاً رَأی حَقّاً فَأعَانَ عَلَیْهِ أوْ رَأی جَـوْراً فَـرَدَّهُ وَ کَـانَ عَوْنـاً بِـالْحَقِّ عَلَـی صَاحِبِهِ**»[3] (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۵؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۳۷۴). بر این اسـاس، رحمـت الهـی در منظر علوی نه تنها صفتی احسان‌محور است، بلکـه بـه‌صـورت عملـی در یـاری‌گـری بـه حـق، بازداشتن از ظلم و پرورش رفتارهای صالح تجلی می‌یابد. در نتیجه ایمان و عمل صالح همراه بـا شفقت نسبت به همنوعان، جلوه‌های عینی همان «رحمت هدایت‌گـر» هسـتند کـه مسـیر رشـد اخلاقی و سامانِ اجتماعی را هموار می‌سازند.

تحلیل شبکه‌ای مفاهیم قرآنی (Izutsu, 2008) نشان می‌دهد که رحمت با عدالت، احسـان، کرامت انسانی، صبر و مغفرت پیوند دارد و این روابط معنایی امکان تبیین یک چارچوب اخلاقـی جامع برای تعامل انسانی و میان‌ادیانی را فراهم می‌آورد.

۲. تطبیق آموزه‌های رحمت قرآنی با فلسفه اخلاق معاصر

تحلیل تطبیقی نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی درباره رحمت با برخی مبانی فلسفه اخلاق معاصر همسو هستند:

اخلاق فضیلت (Virtue Ethics): رحمت در قرآن با فضایل اخلاقی چون شفقت، مهربانی و انصاف مرتبط اسـت و از ایـن منظـر بـا اخـلاق فضـیلت آلاسـدیر مـک‌اینتـایر همخـوانی دارد (MacIntyre, 1981: 56).

اخلاق مراقبتی (Care Ethics): آموزه‌های رحمت در قرآن بر توجه بـه نیازهـای دیگـران و همدلی اجتماعی تأکید دارنـد، کـه مشـابه نگـرش کـارول گیلیگـان بـه اخـلاق مراقبتـی اسـت

---

۱. خدای رحمانِ خجسته و والا، به مردمانِ دلرحم رحم می‌کند؛ به ساکنان زمین رحم کنید تا آن که در آسمان است بـه شـما رحم کند.

۲. و از قرآن، آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می‌کنیم.

۳. خدا رحمت کند کسی را که هرگاه حقی را ببیند آن را یاری کند و اگر ستمی را مشاهده کرد آن را دفـع نمایـد و بـه یـاری صاحب حق برخیزد [و بر ضدّ ستمگر قیام کند].

(Gilligan, 1982: 72).

اخلاق جهانی (Global Ethics): رحمت قرآنی، فارغ از مرزهای قومی و مذهبی، می‌تواند بنیان «اخلاق جهانی» و گفت‌وگوی بین‌الادیانی را شکل دهد، همان‌گونه که هانس کونگ مطرح کرده است (Küng, 1991: 67).

با این حال، تفاوتی بنیادی نیز وجود دارد؛ رحمت قرآنی وجه الهی و هستی‌شناختی دارد و نه صرفاً انسانی ـ سکولار، که این وجه معرفتی، قابلیت تعمیق و تعمیم آموزه‌ها را به حوزه‌های میان‌فرهنگی و میان‌ادیانی افزایش می‌دهد (Nasr, 2002: 21).

۳. تحلیل تأثیر آموزه‌های رحمت بر گفت‌وگوی ادیان

یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه رحمت می‌تواند گفت‌وگوی ادیان را در چهار سطح تقویت کند:

أ. زبان مشترک اخلاقی: رحمت به‌عنوان صفت اخلاقی و الهی می‌تواند به‌عنوان زبان مشترک میان ادیان عمل کند و زمینه فهم و تعامل متقابل را فراهم آورد (Hurley, 2015: 33-47).

ب. کاهش تعصبات و افزایش مدارا: آموزه رحمت با تأکید بر شفقت، عفو و پذیرش تفاوت‌ها، موجب کاهش تعصبات مذهبی و فرهنگی می‌شود (Abu-Nimer, 2003: 59).

ج. بنیان‌گذاری چارچوب اخلاقی برای نهادها و سازمان‌های بین‌الادیانی: این آموزه‌ها می‌توانند سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی، فرهنگی و اجتماعی را در مسیر گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز هدایت کنند (Rahman, 2009: 112).

د. ایجاد الگوی اخلاقی بین‌الادیانی: ترکیب آموزه‌های رحمت با مفاهیم فلسفه اخلاق معاصر، الگوی عملی و نظری برای تعامل میان جوامع دینی ارائه می‌دهد.

٤. تحلیل نقش آموزه‌های رحمت در تقویت همزیستی اجتماعی

پژوهش نشان می‌دهد که آموزه‌های رحمت در سه سطح اجتماعی قابل مشاهده هستند:

أ. **سطح بین‌فردی:** رحمت موجب ایجاد فضایی همدلانه، تسامح و مدارا میان افراد می‌شود و رفتارهای خشونت‌آمیز و تعصبی را کاهش می‌دهد (رضی بهابادی و شبانی، ۱۳۹۴).

ب. سطح اجتماعی: آموزه رحمت می‌تواند اصول اخلاقی و رفتاری برای سازمان‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم کند و مشارکت و همزیستی جمعی را تقویت نماید (Nasr, 2002: 75).

ج. سطح تمدنی: بازخوانی رحمت در سطح اجتماعی و سیاسی می‌تواند به ایجاد جوامع چندفرهنگی مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌های دینی کمک کند (Küng, 1991: 72).

۵. جمع‌بندی تحلیل

بر اساس تحلیل سؤالات فرعی، می‌توان نتیجه گرفت که:

آموزه‌های قرآنی رحمت، هم جهانی و اخلاقی و هم عملی و فرهنگی هستند.

تطبیق آن‌ها با فلسفه اخلاق معاصر نشان می‌دهد که رحمت می‌تواند چارچوبی میان‌رشته‌ای و عملی برای گفت‌وگوی ادیان فراهم آورد.

آموزه‌های رحمت قابلیت ایجاد الگوهای عملی در سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی و ارتقاء همزیستی مسالمت‌آمیز را دارند.

به عبارت دیگر، ترکیب مطالعه قرآن، فلسفه اخلاق و نظریه‌های گفت‌وگوی ادیان، امکان ارائه یک چارچوب نظری و عملی میان‌رشته‌ای برای ارتقاء گفت‌وگوی ادیان و همزیستی اجتماعی را فراهم می‌کند.

جدول ۲. تحلیل سؤالات فرعی پژوهش و یافته‌ها

سؤال فرعی پژوهش	محور تحلیل	یافته‌ها	پیامدهای اخلاقی و اجتماعی	کاربرد در گفت‌وگوی ادیان
۱. مفهوم و ساختار رحمت در قرآن	ابعاد رحمت	– شامل رحمت عمومی و اختصاصی – پیوند با عدالت، هدایت و کرامت انسانی	– ایجاد چارچوب اخلاقی و معنوی برای زندگی فردی – تربیت انسان متعالی	– مبنای زبان مشترک اخلاقی – پایه تعامل میان‌ادیانی
۲. تطبیق آموزه‌های رحمت با فلسفه اخلاق معاصر	همسویی و تفاوت‌ها	– همسو با اخلاق فضیلت و مراقبتی – تفاوت در وجه الهی و هستی‌شناختی	– تقویت فضایل فردی – افزایش همدلی و مسئولیت اجتماعی	– ارائه معیار اخلاقی برای تعامل بین جوامع دینی و غیر دینی
۳. نقش رحمت در ارتقاء گفت‌وگوی ادیان	کارکرد میان‌ادیانی	– ایجاد چارچوب اخلاقی مشترک – کاهش تعصب و تنش مذهبی	– ارتقاء مدارا و احترام متقابل – پیشگیری از تضادهای فرهنگی و دینی	– ایجاد سازوکار عملی برای برنامه‌های گفت‌وگوی ادیان – تسهیل پروژه‌های آموزشی و فرهنگی بین‌ادیانی
۴. نقش رحمت در تقویت همزیستی اجتماعی	کارکرد اجتماعی	– تقویت همزیستی و مدارا – کاهش خشونت و تبعیض – تشویق عدالت و انصاف	– ایجاد جوامع مسالمت‌آمیز و پایدار – تقویت سرمایه اجتماعی و اعتماد میان گروه‌ها	– ارائه الگوی عملی و اخلاقی برای مدیریت جوامع چنددینی و بین‌فرهنگی

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان می‌دهد که آموزه‌های قرآنی درباره رحمت، نقشی بنیادین در ارتقاء اخلاق فردی، همزیستی اجتماعی و گفت‌وگوی میان‌ادیانی دارند. تحلیل‌ها نشان داد که رحمت در قرآن به دو صورت مطرح شده است: رحمت عمومی که شامل همه موجودات و جوامع می‌شود و رحمت اختصاصی و هدایت‌گر که در پی رعایت عمل صالح و فضایل اخلاقی تحقق می‌یابد. این دوگانگی ماهیت رحمت، آن را به ابزاری کارآمد برای تربیت انسان متعالی و هدایت جامعه انسانی تبدیل کرده است.

در سطح فردی، آموزه‌های رحمت موجب پرورش فضایل اخلاقی، رشد معنوی و توانمندی‌های انسانی می‌شوند و زمینه شکل‌گیری رفتارهای همدلانه، مدارا و مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌آورند. در سطح اجتماعی، رحمت سبب ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز، کاهش تعصبات، تقویت عدالت و ارتقاء کیفیت روابط انسانی و فرهنگی میان اعضای جامعه می‌شود. همچنین، آموزه‌های رحمت در سطح میان‌ادیانی نقش زبان مشترک اخلاقی و فرهنگی را ایفا می‌کنند و امکان گفت‌وگوی سازنده، احترام متقابل و همکاری میان جوامع دینی مختلف را فراهم می‌آورند.

یکی از دستاوردهای مهم این پژوهش، بازشناسی ظرفیت میان‌رشته‌ای آموزه‌های رحمت است؛ یعنی امکان بهره‌گیری همزمان از مبانی اخلاقی، فلسفی و اجتماعی برای ایجاد چارچوبی جامع جهت تعاملات بین‌فرهنگی و بین‌ادیانی. این چارچوب می‌تواند به نهادهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی کمک کند تا برنامه‌های آموزشی و فرهنگی خود را بر پایه اصول اخلاقی و انسانی طراحی کرده و به تحقق همزیستی مسالمت‌آمیز و کاهش تنش‌ها و تعارض‌های فرهنگی و دینی کمک کنند.

به طور کلی، یافته‌ها نشان می‌دهد که رحمت قرآنی به عنوان یک صفت الهی و فضیلت اخلاقی، هم نقش هدایت معنوی و فردی دارد و هم کارکرد اجتماعی و میان‌ادیانی. این ویژگی‌های چندلایه، رحمت را به عنصری کلیدی برای تربیت انسان متعالی، ایجاد همزیستی پایدار و تقویت گفت‌وگوی میان ادیان تبدیل کرده است. بنابراین، بازشناسی و بهره‌گیری عملی از آموزه‌های رحمت می‌تواند زمینه‌ساز جوامع انسانی اخلاق‌مدار، همدل و صلح‌آمیز باشد و به توسعه فرهنگ مدارا، احترام و همکاری میان گروه‌ها و جوامع مختلف کمک کند.

فهرست منابع

قرآن کریم.
نهج‌البلاغه، تحقیق: صالح، صبحی. (۱۴۱۴). قم: هجرت.
۱. ابن‌أبی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین. (۱۴۰۵). عوالی اللئالی العزیزیة فی الأحادیث الدینیة، قم: دار سید الشهداء للنشر.
۲. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰). غرر الحکم و درر الکلم، محقق: رجائی، سید مهدی، قم: دار الکتاب الإسلامی.
۳. جعفری، محمدتقی. (۱۳۷۹). فلسفه و هدف زندگی، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۲). اسرار عبادات، قم: انتشارات الزهرا.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۰). تسنیم: تفسیر قرآن کریم، قم: مرکز نشر اسراء.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی. (۱۳۸۸). «روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن»، نشریه اندیشه دینی، دوره ۱۱، شماره ۳۲، ص ۱۱۵-۱۳۰.
۷. رضی بهابادی، بی‌بی‌سادات؛ شبانی، اعظم‌سادات. (۱۳۹۴). «مقایسه مفهوم محبت در قرآن و عهد جدید»، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر. (۱۳۷۴). «اسماء و صفات خدا در قرآن»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۳۵، شماره ۸، ص ۶-۱۱.
۹. سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۳). بسط تجربه نبوی. تهران: صراط.
۱۰. شامحمدی، مهدی. (۱۴۰۱). «معناشناسی رحمت و نقش تربیتی آن در حوزه اجتماعی از دیدگاه آیات و روایات»، آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره ۸، شماره ۲، ص ۱۴۵-۱۶۳.
۱۱. صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۰۶). الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، بیروت: فرهنگ اسلامی.
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله؛ رسولی، هاشم، تهران: ناصر خسرو.
۱۴. طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۲). جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
۱۵. فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

۱۶. قرائتی، محسن. (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۱۷. قطب، سید. (۱۴۲۵). فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق.
۱۸. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار(ع). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). مجموعه آثار، تهران: صدرا.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۱. ملکیان، مصطفی. (۱۳۹۶). راهی به رهایی، تهران: نگاه معاصر.
22.Abu-Nimer, M. (2003). Nonviolence and Peace Building in Islam: Theory and Practice. Gainesville: University Press of Florida.
23.Creswell, John W. (2018). Research Design: Qualitative, Quantitative, and Mixed Methods Approaches (5th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
24.Denzin, N. K., & Lincoln, Y. S. (2018). The SAGE Handbook of Qualitative Research (5th ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
25.Gilligan, Carol. (1982). In a Different Voice: Psychological Theory and Women's Development. Cambridge, MA: Harvard University Press.
26.Hurley, R. (2015). "Compassion and Mercy in Interfaith Dialogue: A Comparative Approach." Journal of Interreligious Studies, 18(2), 33–47.
27.Izutsu, Toshihiko. (2008a). Ethico-Religious Concepts in the Qur'an. Montreal: McGill University Press.
28.Izutsu, Toshihiko. (2008b). God and Man in the Qur'an: Semantics of the Qur'anic Weltanschauung. Kuala Lumpur: Islamic Book Trust.
29.Küng, Hans. (1991). Global Responsibility: In Search of a New World Ethic. New York: Crossroad Publishing Company.
30.MacIntyre, A. (1981). After Virtue: A Study in Moral Theory. Notre Dame: University of Notre Dame Press.
31.Mayring, Philipp. (2014). Qualitative Content Analysis: Theoretical Foundation, Basic Procedures and Software Solution. Klagenfurt: Beltz.
32.Nasr, Seyyed Hossein. (2002). The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity. New York: HarperCollins Publishers.
33.Nettler, P. (2018). "Mercy and Mutual Understanding: The Qur'an and Biblical Ethics in Dialogue." Studies in Interfaith Ethics, 5(1), 41–59.
34.Nussbaum, Martha C. (2001). Upheavals of Thought: The Intelligence of Emotions. Cambridge: Cambridge University Press.
35.Nussbaum, Martha C. (2011). Creating Capabilities: The Human Development Approach. Cambridge, MA: Harvard University Press.
36.Pew Research Center. (2022). Global Religious Hostilities Report 2022. Washington, DC: Pew Forum.
37.Rahman, Fazlur. (2009). Major Themes of the Qur'an. Chicago: University of Chicago Press.